هو العلیم

وظیفهٔ افراد در زمان غیبت امام زمان علیه السّلام

و اشاره‌ای به اعمال شب نیمهٔ شعبان

سلوک خانواده – ۱۴ شعبان‌المعظّم ۱۴۱۹ هـ.ق،

طهران – جلسهٔ دوم

استاد

آیة الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه

أعوذُ بِاللَه مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسمِ اللَه الرَّحمَنِ الرَّحيم

و صلَّى اللَه عَلَى سيّدنا و نبيّنا مُحَمّدٍ و آله الطّاهرين

و لعنة الله عَلَى أعدائِهِم أجمَعينَ

از اینکه دیر خدمت اعزّه و احبّه رسیدم عذرخواهی می‌کنم، حالم مساعد نبود منتها دیدم که اگر بخواهم به تأخیر بیاندازم ممکن است موفق نشوم خدمت دوستان برسم و خلف وعده کرده باشم.

وظیفهٔ اشخاص در زمان غیبت امام زمان علیه‌السّلام

امشب شب میلاد امام زمان علیه‌السلام، شب تحقّق مظهر عدل تامّ و اجراء حق و عدالت است. روایتی از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل شده است که ظاهراً از امام صادق علیه السلام است و مشابهش از پیغمبر اکرم است که فرمودند:

إِذا قامَ قائِمُنا وَضعَ اللَه يدَهُ علَى رئوسِ الْعبادِ فَجَمعَ

بها عُقولَهُمْ وَ كَمَلتْ بِهِ أَحْلامُهم؛

«وقتی که امام زمان، حضرت بقیةالله ارواحنا فداه ظهور کنند خداوند دستش را روی سر همهٔ مردم می‌گذارد و ایمان مردم به‌واسطهٔ ظهور حضرت تمام می‌شود و عقل آنها کامل می‌شود.»

مطلبی که در اینجا مطرح است این است که مگر امام زمان علیه‌السلام چه‌کار می‌کنند؟ مطلب دوم اینکه آیا این مطلب در زمان غیر از ظهور آن حضرت امکان پذیر نیست و حتماً باید امام زمان ظهور کند؟ یعنی اجرای عدالت نیاز به ظهور ظاهری آن حضرت دارد یااینکه در غیر از زمان ظهور هم برای افراد ممکن و میسر است؟ و به عبارت دیگر آیا ما باید فقط منتظر ظهور حضرت باشیم و هیچ‌کار و عملی را نمی‌توانیم انجام بدهیم و باید چشم به ظهور آن حضرت بدوزیم یااینکه مطلب به‌صورت دیگری است؟

یک روز من به اتفاق بعضی از رفقا و دوستان خود، خدمت یکی از بزرگان رسیدیم و آن شخص در تمام مدت مجالست و صحبت که حدود یک ساعت ونیم طول کشید دائماً از ظهور و زمان ظهور

و آثار و علائم ظهور و اینکه فلان شخص خواب دیده در این تاریخ، امام زمان ظهور می‌کند، فلان شخص در مکاشفه دیده که حضرت عددی را برای او ترسیم کرده‌اند، صحبت می‌کرد و می‌گفت:

من وقتی در یکی از شهرها در فلان سن بودم، خودم با بعضی از محاسبات و کارهایی که کردم به‌دست آوردم که حضرت در سال ۱٤۱٦ هجری قمری، یعنی همین دو سال پیش، ظهور می‌کنند!

البته آن موقع که ما خدمت ایشان رسیدیم شاید حدود هفت یا هشت سال پیش بود و تمام مدت مجلس به این حرف‌ها گذشت.

عدم صحت تعیین زمان ظهور

من از ایشان سؤال کردم و گفتم که در اینجا چند مسئله مطرح است: اول اینکه این مطالبی را که شما نسبت به ظهور حضرت می‌فرمایید که در این سال ظهور می‌کند و فلان شخص خواب دیده است، فلان شخص مکاشفه کرده و امثال‌ذلک، یا درست است یا غلط است، اگر این مسائل غلط است پس چرا شما اینها را برای مردم مطرح می‌کنید و مردم را به اشتباه می‌اندازید؟! درحالی‌که احتمال غلط بودن و باطل بودن وجود دارد و همان‌طور که دیدید باطل بود،

چون ایشان به ما گفتند در سال ١٤١٦ ظهور اتفاق می‌افتد و الآن در سال ١٤١٨ هستیم و هنوز این مسائل دیده نشده است! پس معلوم می‌شود که این باطل بوده است. گفتم که اگر این مطالب غلط است پس چرا شما بیان می‌کنید؟! و اگر این مطالب صحیح است پس چرا ما اینها را از ائمه علیهم‌السلام نشنیده‌ایم؟ این چه مصلحتی است که امام علیه‌السلام نباید برای مردم بیان کند که من‌باب‌مثال در سال هزار و چهارصد و چند ظاهر می‌شود؟ البته آن‌طوری که آنها مطرح کردند به‌نحوکلی بود اما به‌نحو خصوص بیان نکردند.

گفتم که سؤال دوم اینکه برفرض که این مطالب صحیح باشد، این برای کسی مفید است و به‌درد کسی می‌خورد که زمان ظهور حضرت را ادراک کند. اگر شخصی قبل از ظهور حضرت از دنیا برود، ظهور حضرت به چه درد او می‌خورد و چه فایده‌ای برای او دارد؟! حالا برفرض که امام زمان علیه‌السلام دو ماه دیگر ظهور کند و من بدانم که یک هفتهٔ دیگر از دنیا می‌روم، به چه درد من می‌خورد و چه دردی

ازدردهای من را دوا می‌کند و چه نفعی برای کمال من دارد؟! اگر قرار بر این باشد که بگوییم که ظهور حضرت در آن موقع برای من هم فایده دارد، پس ظهور برای کسی که هزار سال پیش هم از دنیا رفته است هم فایده دارد و این همان معنای ولایت غیبی است که ظاهر و باطن ندارد و سررشتهٔ همهٔ امور به‌دست او است.

بنابراین اینکه ما بیاییم و وقتمان را بگذرانیم در اینکه امام علیه‌السلام چه موقع ظهور می‌کند و در زمان ظهورش چه می‌شود و امثال‌ذلک، چه نفعی برای ما دارد؟! چقدر افرادی در سابق بودند که مدعی ملاقات با امام زمان علیه‌السلام در همین دنیا بودند و برای مردم حکایاتی نقل می‌کردند و آثار و علائمی را بیان می‌کردند اما الآن آنها در دل خاک خفته‌اند! یعنی همهٔ اینها باطل بوده است.

من خودم شنیدم از بعضی افرادی که آنها به ضرس قاطع زمان ظهور حضرت را تعیین می‌کردند و خودشان را از افرادی که در زمان ظهور هستند معرفی می‌کردند درحالی‌که دو سال است که از دنیا رفته‌اند! حتی یکی از اینها نزد پدر ما آمده بود ـ البته

این قضیه که دارم خدمت شما عرض می‌کنم برای بیست سال پیش است ـ وگفته بود: «آقا من می‌خواهم به شما یک بشارت بدهم و باید یک سور بدهید تا این بشارت را بگویم.» مرحوم پدر ما خندیدند و گفتند که حالا شما بشارت را بدهید إن‌شاءالله سور طلبتان. از این افرادی بود که در بعضی از این علوم عجیبه و غریبه یک مقدار اطلاعاتی داشت. او گفت: «من با علم اعداد و جفر به‌دست آورده‌ام که شما جزء ۳۱۳ نفرِ در رکاب امام زمان هستید.» درحالی‌که پدر ما سه سال پیش از دنیا رفت و همان موقع هم ایشان رد نمی‌کرد و می‌خندید، مزاح می‌کرد، شوخی می‌کرد و می‌فرمود: «إن‌شاءالله امیدواریم ما را قبول کنند.» و از این عبارت‌هایی که نه حکایت از رد مسئله است و نه حکایت از قبول آنها. ولی صحبت در این است که پدر ما معطل نشد که امام زمان ظهور کند، همان موقع کار خودش را ساخت! اما شما همین‌طور به انتظار بنشین، مجلس تشکیل بده، مردم را جمع کن، با آنها صحبت کن که حضرت این موقع ظهور

می‌کند، حضرت چه می‌کند، بعد هم سر مردم را یک مقداری با همین حرف‌ها گرم کن و بعد هم بگو نشد و بداء حاصل شد! این مطالب صحیح نیست، سر مردم را با این مطالب گرم کردن صحیح نیست. چرا انسان واقعیت را مطرح نکند؟! چرا حقیقت را مطرح نکند؟! چرا آنچه به‌درد مردم و به‌درد خودش می‌خورد برای مردم مطرح نکند؟! اگر خدا توفیق داد به ما که چشممان به جمال منور امام زمان علیه‌السلام روشن شود که با دنیا و آخرت برابری نمی‌کند چه بهتر و اگر توفیق پیدا نکردیم آیا بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و همین‌طور عاطل‌وباطل بمانیم تااینکه امام زمان علیه‌السلام ظهور کند؟! لعل اینکه مشیت الهی تعلق نگرفته باشد که ما جمال منور ایشان را زیارت کنیم.

یک روز خدمت مرحوم آقای حداد ـ رضوان الله تعالی علیه ـ بودم و در آن موقع سنم هفده سال بود. این قضیه برای ۲۵ سال پیش است و در کربلا اتفاق افتاد، در همان سفری که خود مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالی علیه ـ در کتاب روح مجرد هم نوشته‌اند.

مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالی علیه ـ به اتفاق اخوی ما از منزل بیرون آمدند و به‌سمت حرم سیدالشهداء علیه‌السلام حرکت کردند که زیارت کنند، قرار شد که ساعتی ایشان با من صحبت کنند و بعد من بروم و به آنها ملحق شوم. ایشان مطالبی به من فرمودند و من هم سؤالاتی کردم و جواب‌هایی دادند، بعد من رو کردم به مرحوم آقای حداد ـ رضوان الله تعالی علیه ـ و گفتم که آقا آیا رؤیت ظاهری امام علیه‌السلام از نقطه‌نظر سلوک برای سالک ضرورت دارد؟ ایشان خنده‌ای کردند و به من فرمودند: «سالک هدف و غایتش معرفت و رسیدن به باطن امام علیه‌السلام است.»

این منظور سالک است، هدف سالک با هدف سایر مردم تفاوت دارد. شما الآن نگاه کنید و ببینید خیابان‌ها را آزین بسته‌اند، تکایا درست کرده‌اند، جشن می‌گیرند، شعر می‌خوانند، شادی می‌کنند و شیرینی می‌دهند، اینها همه‌اش درست است و باید این‌طور باشد، باید شادی باشد، باید جشن باشد، واجب است که شعائر دین در حکومت اسلام و در

مملکت اسلام انجام شود و متأسفانه ما مسلمان‌ها و به‌خصوص ما شیعیان نسبت به این قضیه کوتاهی می‌کنیم.

سال گذشته در سفری که به لبنان داشتم یک شب به اتفاق بعضی از دوستان که بیرون آمده بودیم، دیدیم شهر خیلی شلوغ است و جشن است و ترقه‌بازی و بساط خیلی عجیبی بود! سؤال کردیم که مگر امشب چه خبر است؟ گفتند که امشب یکی از اعیاد مسیحیان است. شب تولد نبود، یکی از اعیاد مسیحی‌ها بود. همین مسیحی‌ها جلوی ماشین‌ها را نگه می‌داشتند و شیرینی می‌دادند، نقل می‌دادند و به‌زور محبت می‌کردند.

چند روز بعد از آن، روز هفده ربیع روز میلاد پیغمبراکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم بود و من در این بیروت ندیدم که یک چراغ راجع به میلاد پیغمبر روشن شود بااینکه دوسوم جمعیت و بلکه سه‌چهارم جمعیت آنها را مسلمان‌ها اعم از اهل تسنن و شیعه تشکیل می‌داد! ببینید چقدر این مسئله مهم است. در محلهٔ شیعه‌نشین بیروت که همین محلی بود که ساختمان ما در آنجا بود در شب میلاد پیغمبر فقط

یک نفر را ما دیدیم کنار خیابان یک ظرف شکلات در دستش گرفته بود و ماشین‌هایی که عبور می‌کردند، یکی برمی‌داشت و یکی رد می‌شد.

تعظیم شعائر دین از اهم واجبات

تمام اینها روزی باید حساب پس بدهند! تعظیم شعائر دین از اهمّ واجبات است، ما باید فرزندانمان را با این فرهنگ باربیاوریم، بچه‌هایمان را باید با این فرهنگ باربیاوریم. می‌دانید معاویه چه‌کار می‌کرد؟ خانه این و آن عسل می‌فرستاد و می‌گفت بگویید که معاویه فرستاده است، غذا می‌فرستاد خانهٔ اینها و می‌گفت که بگویید معاویه فرستاده است، بچه چه می‌فهمد؟ بچه به کسی که به او محبت می‌کند، علاقه پیدا می‌کند، بزرگ هم همین‌طور.

در مملکت و حکومت اسلام نسبت به شعائر دینی و مناسباتی که مربوط به ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم اجمعین و به‌خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است باید سنگِ‌تمام گذاشته شود. ما هرچه داریم از ائمه داریم و هرچه داریم از امام زمان علیه‌السلام داریم. باید در رأس شعارهای ما تأسّی به امام زمان علیه‌السلام قرار بگیرد و بقیه

باید تحت‌الشعاع باشد، باید در رأس شعارهای ما متابعت از ائمه علیهم‌السلام قرار بگیرد و بقیهٔ اشیاء باید تحت‌الشعاع باشد، من چه کسی هستم؟! امثال من چه کسانی هستند؟! من و امثال من همگی ریزه‌خوار این خوان و ریزه‌خوار سفرهٔ اِنعام ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام هستیم.

جمع بین مسائل ظاهر و حقیقت توسط سالک

الآن این مسائل باید مورد توجه قرار بگیرد اما صحبت در اینجا این است که این شعارها و این نشاط‌ها و این مسائل یک جنبهٔ ظاهری دارد که در کنار این جنبهٔ ظاهر، آن حقیقت نباید فراموش شود.

آیا این صحیح است که برای امام زمان علیه‌السلام جشن بگیریم و شادی کنیم و شیرینی پخش کنیم و بعد که از شخص می‌پرسند آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟ می‌گوید: «نه، نمازم قضا شده است!» می‌گویند: «چرا نمازت قضا شده است؟» می‌گوید: «جشن از نماز مهم‌تر است!» اما سالک در این مسیر حرکت نمی‌کند، سالک علاوه بر رعایت مسائل ظاهر، به آن حقیقتی می‌پردازد که برای آن حقیقت، این جلوات در خارج بروز و ظهور پیدا می‌کند.

ایشان به من فرمودند:

اگر می‌خواهی امام زمان علیه‌السلام را ببینی، من یک دستورالعمل به تو می‌دهم و بعد از ده روز حضرت را می‌بینی و با ایشان صحبت می‌کنی و دستورالعمل این است.

دستورالعمل را به من دادند ولی فرمودند:

اما اگر طالب دیدار باطن هستی و می‌خواهی به آن حقیقت و ولایت برسی، نباید دنبال دیدن ظاهر باشی ولی اگر می‌خواهی، دستورالعمل همین است.

و من هم آن دستورالعمل را انجام ندادم، چرا؟ چون دیدم این دیدن ظاهر، دیدن نفس است، خوشم می‌آید که من امام را دیده باشم، خوشم می‌آید که من بروم و حضرت را ببینیم، اما اگر من حضرت را ببینم و حضرت بفرمایند که برای چه خواستی ما را ببینی؟! حالا ما را دیدی و خیالت راحت شد؟! آیا به دستورات من عمل کردی و آنچه مورد رضایت من است انجام دادی؟! خلاصه اگر از من پرسیدند که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی؟! چه جوابی دارم؟!

این بود مرام و مکتب اولیاء و بزرگان، اولیاء و بزرگان خودشان را معطل ظهور امام زمان نکردند. امام زمان را در هر حالی در کنار خودشان مشاهده کردند، الآن امام زمان علیه‌السلام در همین مجلس حضور دارند، امام زمان علیه‌السلام در تک‌تک منازل ما و شما حضور دارند. امام زمان علیه‌السلام با تمام شراشرِ وجود ما و شما مصاحبت دارند و مجالست دارند و ما همچون موم در دست آن حضرت در تقلا و در تکاپو هستیم، امام زمان این‌طور است نه‌اینکه یک شخص خارجی باشد که اگر ما بخواهیم او را ببینیم ارتباطش فقط درصورتی است که حجاب و مانعی نباشد. آن‌وقتی که ما توجه به امام کردیم، آن‌موقع امام در قلب ما است، آن‌موقعی که نماز را با حضور خواندیم، بدانیم در آن‌موقع امام زمان علیه‌السلام در خانهٔ ما بود، مسئله از این قرار است.

الآن این وسایل و دستگاه‌هایی که در اینجا هست، اینها امواج را ضبط می‌کنند، امواج از هر جهت در این اتاق هست، امواج رادیویی هست، امواج تلویزیونی هست، امواج صوتی هست، امواج

کوتاه و بلند هست، تمام اینها وجود دارد. صحبت در گیرنده است، اگر گیرنده را شما تنظیم کنید روی آن ایستگاه او را می‌گیرد، اگر یک مقدار فاصله بدهید نمی‌گیرد و سر و صدا و خش‌خش می‌کند، چون هنوز آن گیرنده روی ایستگاه تنظیم نشده است. آن وقتی که شما نمازتان با حضور قلب بود آن موقع گیرندهٔ شما روی ایستگاه تنظیم و سِت شده است.

قلب طاهر، محل تجلی امام علیه‌السلام

اگر نماز بدون حضور قلب باشد هنوز یک سانت با ایستگاه فاصله دارید و خش‌خش می‌کند و چون امام طاهر است در قلب طاهر می‌آید و در قلب غیر طاهر نمی‌آید. امام حق محض است، امام طهارت محض است، امام علیه‌السلام قُدس و صفای محض است. این نیاز به هیچ محکی ندارد شما وقتی که در وجود خودتان حالت روحانیت دیدید بدانید که در آن موقع مورد توجه حضرت هستید و اگر در خودتان حالت روحانیت ندیدید بدانید نیستید، محک نمی‌خواهد. حالا امام زمان علیه‌السلام بیاید و شما او را ببینید چه فایده و نتیجه‌ای دارد؟!

بنابراین، هدفی که امام صادق علیه‌السلام

می‌فرماید: «**إِذَا قامَ قائِمُنا وَضعَ اللهُ یدَهُ علَی رُئوسِ الْعبادِ فَجَمعَ بهَا عقولَهُمْ وَ کَمَلتْ بهِ أَحْلامُهم**» آن هدف برای مردم عوام است. بله، ظهور حضرت برای مردم عوام مفید است، امنیت برقرار می‌شود، عدالت برقرار می‌شود، اطمینان برقرار می‌شود، همهٔ مظاهر فساد ازبین می‌روند. اما برای آن سالک [فرقی نمی‌کند. اگر عمل نکند] چه کسی ضرر کرده است؟! خودش ضرر کرده است!

کم شدن از عالم برزخ در قبال عمر در این دنیا

در جلسهٔ روز گذشته خدمت دوستان از اِخوه و برادران، این مطلب را در انجا عرض کردم که هر لحظه از عمری که خداوند در این دنیا به ما بدهد، یک لحظه از عالم برزخ را کم می‌کند. یعنی اگر قرار بر این باشد که خدا بخواهد برای کمال انسان، در این دنیا پنجاه سال عمر بدهد به همان مقدار که کم داده است در عالم برزخ اضافه می‌کند و اگر در اینجا آن نصیب از حیات دنیوی را به انسان داده باشد، دیگر در عالم برزخ هیچ خبری نیست. پس بدانید این لحظاتی که در این دنیا از ما می‌گذرد به جایش نه در این دنیا و نه در آن دنیا نخواهد آمد، حساب

دارد و این می‌شود خدای عادل. نگویید که چرا مثلاً فلان شخص در بیست سالگی از دنیا رفت؟ پس توقع داشتید برای اینکه به کمال برسد چقدر در این دنیا بماند؟ اگر شخص در راه باشد و در بیست سالگی از دنیا برود و فرض کنید که پانزده سال طول می‌کشد برای اینکه به کمال برسد، خدا سیزده سال از آن دنیا در عالم برزخ برای این قرار می‌دهد. اینجا از تو کم گذاشت آنجا اضافه می‌کند.

به هوای بعد از مرگ و پس از مرگ و امثال‌ذلک ننشینید، این سرمایه‌ای است که ازبین می‌رود و دیگر به‌جای او برنمی‌گردد، حالا با توجه به این قضیه چطور ما می‌توانیم دست روی دست بگذاریم و تمام آن قوا و استعدادها و جهاتی را که خداوند برای رسیدن به فعلیت و کمال در وجود ما قرار داده است، عاطل‌وباطل به لهو و لعب و به امید ظهور امام علیه‌السلام بگذرانیم؟! و همین‌طور دلمان را خوش کنیم به اینکه این‌طور خواهد شد، آن‌طور خواهد شد، ستاره اگر در آسمان بیاید دلالت بر ظهور می‌کند، در مشرق اگر فلان قضیه اتفاق بیفتد ظهور

خواهد شد، می‌گویند از سوریه اگر سفیانی ظهور بکند موقع ظهور حضرت است! شما اصلاً می‌دانید که فردا زنده هستید یا نه؟! حالا بر فرض سفیانی هم ظهور کند، وقتی من نباشم برای من چه فایده‌ای دارد؟

لذا ما باید در این دنیا در صدد این باشیم که آن اهدافی که در زمان ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه برای عامهٔ مردم می‌آورند، ما آنها را در زمان غیبت انجام بدهیم و این مهم است. آنچه امام علیه‌السلام با ظهور خود و با حضور خود به‌عنوان تکلیف و به‌عنوان نردبان برای فعلیت کمالات برای انسان می‌آورد، ما آنها را در زمان غیبت انجام بدهیم و منتظر ظهور حضرت نشویم. کلمات آن حضرت هست، بیانات آن حضرت هست، نامه‌هایی که آن حضرت نوشته‌اند هست، سؤال و جواب‌ها هست، از سایر ائمه علیهم‌السلام هست، ما چیزی کم نداریم که منتظر ظهور امام باشیم و خلاصه بخواهیم با ظهور امام نقایص خودمان را رفع کنیم. مگر این همه از بزرگانی که در زمان غیبت به مقام ولایت و طهارت رسیدند منتظر ظهور شدند؟!

در تمام مدت عمر مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالی علیه ـ من یک‌بار نشنیدم که ایشان در صحبت‌هایشان و در جلساتشان، دوستان و رفقایشان را با این مسائل تشویق کنند که حضرت چه موقع ظهور می‌کنند و در چه تاریخی خواهند آمد و... . تمام توجه و توجیه ایشان برای دوستان خودشان این بود که در این راستا متوجه عمل به تکلیف باشند. اگر این کار را انجام دادید با آن حضرت معیت دارید. یک روز یکی از دوستان از مرحوم آقا سؤال کرده بود و گفته بود: «آقا ارتباط شما با امام زمان علیه‌السلام به چه نحو است؟»

البته جوابی که ایشان به او دادند عرض می‌کنم اما مطلب بالاتر از این است، ایشان فرمودند:

مثل اینکه الآن من اینجا نشستم ـ ایشان طبقه بالا بودند ـ چطور بر افرادی که در طبقهٔ پایین هستند و در منزل بازی می‌کنند، صحبت می‌کنند و حرکت می‌کنند، احاطه و اشراف دارم و مواظب هستم که کسی صدایش بلند نشود، تخطی نکند، شیطانی نکند و امثال‌ذلک، امام علیه‌السلام هم با من مثل همین است انگار در طبقه بالا نشستند و

من در طبقهٔ پایین و از آنجا بر من احاطه دارند.

البته این جوابی که ایشان دادند مطابق با فهم او بوده است، و مسئله خیلی از اینها دقیق‌تر و بالاتر است. گفته‌اند که ره چنان رو که رهروان رفتند. ما با چشم خودمان دیدیم اینها که دائماً وعده به ظهور دادند از دنیا رفتند و به وعده‌های خودشان هم نرسیدند، و از طرف دیگر هم نتایج افرادی را که در مطالب و مسائل دیگر حرکت کردند، دیدیم. حالا گروهی این و گروهی آن پسندند، دیگر این گوی و این میدان. گفت که گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه نیست! امام علیه‌السلام موت و حیات ندارد، کوچک و بزرگی ندارد، غیبت و ظهور ندارد.

همین‌که شما در روز چهاردهم و شب نیمه‌شعبان آمدید و در اینجا جمع شدید و حالا دیگر از باب قحط‌الرجالی و از باب تأسف و تأثر و بدشانسی دقایقی از عمرتان را در صحبت با ما گذراندید، این قضیه و این نیت شما که شما را به اینجا آورده، چه کسی آورده است؟ چرا شما جای دیگر نرفتید؟ چرا مانند بقیهٔ افراد به مسائل دیگر نپرداختید؟ این قضیه چیست؟ این امام علیه‌السلام است، احاطهٔ مقام

ولایت به این می‌گویند که بیاید و توفیق بدهد و راه بیندازد و حرکت بدهد و انسان را ببرد. و در تمام لحظات و در تمام دقایق و در تمام خطورات، اول او را حاضر و ناظر ببینید و بعد آن حرفی را که می‌خواهید بزنید، آن قدمی را که می‌خواهید بردارید، آن عملی را که می‌خواهید انجام بدهید. می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟ اول وجود حضرت را در کنار خودتان حاضر ببینید مثل اینکه من الآن صحبت می‌کنم.

یک روز مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالی علیه ـ این سؤال را از من کردند یا خودم به ایشان عرض کرده بودم ـ راجع به مسئله‌ای با ایشان صحبت می‌کردم ـ که آقا من وقتی که با یک شخص صحبت می‌کنم اگر امام علیه‌السلام هم اینجا در کنارم باشد همین‌طوری حرف می‌زنم، یعنی می‌خواهم این‌طور باشم.

لزوم دیدن امام زمان علیه‌السلام در کنار خود در هر عمل

این حالت حضور امام علیه‌السلام را هرکدام از ما در هر عملی که می‌خواهیم انجام بدهیم باید در خودمان مشاهده کنیم، آن‌وقت شما ببینید اگر واقعاً افراد بخواهند به این مطلب عمل کنند چه اوضاعی

پیش می‌آید؟! آیا دیگر کسی می‌تواند به کسی دروغ بگوید و تهمت بزند؟! آیا دیگر کسی می‌تواند نسبت به کسی نیت بد داشته باشد؟! همهٔ اینها ازبین می‌رود. یک مدت امتحان کنیم، اگر بدی دیدیم کنار می‌گذاریم اما اگر نتیجهٔ آن برایمان روشن و ملموس بود دراین‌صورت دیگر هیچ‌وقت انسان عاقل و منطقی عمل راجح را ترک نمی‌کند.

تأکید اولیاء به احیاء شب نیمه‌شعبان

امشب شب نیمه‌شعبان و شب احیاء است و تمام اولیاء و بزرگان نسبت به احیاء امشب خیلی تأکید داشتند و خود مرحوم آقا ـ رضوان الله تعالی علیه ـ هم زمانی که در طهران بودند شب‌های نیمه‌شعبان با دوستانشان احیاء می‌گرفتند ولی بعد که به مشهد مشرف شدند دستور می‌دادند که هر کسی در منزل خودش احیاء داشته باشد و یادم است که خودشان در همین شب با همان دوستان خصوصی دعای کمیل می‌خواندند. دعای جوشن و دعای کمیل هم در این شب وارد است، دعای فرج برای ظهور آن حضرت هم وارد است. البته در دعای فرج وقتی انسان ظهور ظاهری را از خداوند متعال طلب می‌کند

باید در وهلهٔ اول ظهور باطنی را برای خودش طلب کند، مهم این است که ظهور باطنی برای انسان طلب شود حالا چه ظهور ظاهر باشد چه نباشد، همان‌طور که در این مسئله روایاتی هم از امام صادق علیه‌السلام داریم.[1]

درهرصورت احیاء امشب خیلی مستحب است و این‌طور تصور نکنید که حتماً تمام شب را بیدار باشید نه، برای رفع خستگی اشکال ندارد که مقداری استراحت کنید. خلاصه بدانید که شب، شب بسیار مهمی است و نظیر امشب کم پیدا می‌شود و فرصت را ازدست ندهید که جبران نمی‌گردد. امیدواریم که ما را هم از دعا فراموش نکنید و این حقیر فقیر مسکین را هم مدّنظر داشته باشید. امیدواریم که به‌واسطهٔ توجهات امام زمان علیه‌السلام، عنایت و

---

[1] . الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱:
«عَنِ الفُضَیلِ بنِ یَسارٍ قالَ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِاللَّهِ علیه‌السلام عَن قَولِ اللَّهِ تَبارَکَ و تَعالی: ﴿یَوۡمَ نَدۡعُواْ کُلَّ أُنَاسِۭ بِإِمَٰمِهِمۡ﴾.* قالَ: "یا فُضَیلُ، اعرِف إمَامَکَ؛ فَإِنَّکَ إذا عَرَفتَ إمامَکَ، لَم یَضُرَّکَ تَقَدَّمَ هذا الأَمرُ أَو تَأَخَّرَ؛ و مَن عَرَفَ إمامَهُ، ثُمَّ مَاتَ قَبلَ أَن یَقومَ صاحِبُ هذا الأَمرِ، کانَ بِمَنزِلَةِ مَن کانَ قاعِداً فی عَسکَرِهِ؛ لا، بَل بِمَنزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحتَ لِوائِهِ".»
* سوره اسراء (۱۷) آیه ۷۱.

الطاف بی‌شائبهٔ آن حضرت همیشه در دنیا و آخرت ممدّ و مؤید ما باشد.

اللَهمَّ صلِّ عَلی محمَّد و آلِ مُحَمَّد